



۹۸ حلقہ مطالعاتی

حلقہ مطالعاتی فلسفہ اخلاق
باحضور دکترا محسن جوادی

نظریہ های اخلاقی بر مبنای کتاب Living Ethics

شنبه ها. ساعت ۱۶

ق.م. بلوار امپن. کوچه ۱۳.

انڈھای کوچه سمت راست بلاک ۲۲۱



خانہ اخلاق رٹھوان جوان

جلسه ۱۱ حلقه مطالعاتی

فلسفہ اخلاق

نظریہ های اخلاقی بر مبنای کتاب

Russ Shafer- living ethics اثر

Landau

دکترا محسن جوادی

شنبه ۵ بهمن ماه ۹۸

به قلم: علی علیزاده

چکیده

آنچه در ادامه می‌خوانید متن یازدهمین جلسه از سلسله جلسات حلقه‌ی امین است که به همت خانه‌ی اخلاق پژوهان جوان برگزار شده است. دکتر جوادی در این جلسه به ارائه‌ی فصل پنجم کتاب شفرلاندو با موضوع «پیامدگرایی» می‌پردازد. ایشان پس از تبیین مفهوم «پیامدگرایی»، نکاتی را در باب وجوه جذابیت پیامدگرایی و نقدهای وارد به آن بیان می‌کنند.

پیامدگرایی

نویسنده در این فصل درباره‌ی پیامدگرایی^۱ صحبت کرده و وارد بخش نظریه‌های هنجاری اخلاق می‌شود. البته او پیش از این نیز با پرداختن به نظریاتی همچون لذت‌گرایی بحث نظریه‌های هنجاری را پیش کشیده بود اما گویا به دلیل تحقیق وسیع‌تری که درباره‌ی نظریات آتی انجام داده است، آن‌ها را از نظریات قبلی جدا کرده است.^۲

شفرلاندو در ادامه می‌گوید: نظریه‌های هنجاری اخلاقی زمانی مطرح می‌شوند که بخواهیم بنیادی‌ترین اصول اخلاقی را شناسایی کرده و از ریشه‌ی «درست‌ها» و «نادرست‌ها» مطلع شویم.

اولین نظریه‌ای که نویسنده در این فصل به آن می‌پردازد، پیامدگرایی است. پیامدگرایی به دسته‌ای از نظریه‌های اخلاقی گفته می‌شود که ویژگی مشترک آن‌ها نگاه به نتیجه‌ی اعمال برای تشخیص درست و نادرست است. این نظریه می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد. سخن اصلی پیامدگرایی این است که عملی بایسته است که مجموع نتایجش - و نه صرفاً یک نتیجه‌اش - بهترین باشند.^۳ این دیدگاه به لحاظ نظری راحت است اما اجرایی کردن آن با دشواری‌هایی همراه است. برای آن که متوجه شویم یک عمل بهترین نتایج را دارد، باید پنج مرحله را طی کنیم:

۱. ابتدا باید بدانیم که خیر ذاتی^۴ چیست؛ یعنی چه چیزی فی‌نفسه ارزش دارد. مهم‌ترین کاندیداها برای عنوان خیر ذاتی عبارتند از: سعادت، استقلال^۵، دانش، فضیلت و ...

1. Consequentialism

^۲. توجه دیگر برای این جداسازی این است که برخی از صاحب‌نظران نظریه‌هایی همچون «زندگی خوب» را نظریه‌ی هنجاری به حساب نمی‌آورند؛ بلکه نظریات هنجاری را بیش‌تر در ساختار وظیفه‌گرایی تعریف می‌کنند؛ به این معنا که به عقیده‌ی ایشان یک نظریه‌ی اخلاقی بیشتر درباره‌ی «درست» و «نادرست» بحث می‌کند، نه «خوب» و «بد».

^۳. اقتصاددانان اصطلاحی به نام «optimific» دارند که مراد از آن داشتن بهترین نتیجه از لحاظ مجموعی است.

4. Intrinsic value

5. autonomy

۲. در گام دوم باید بدانیم که چه چیزی ذاتا بد است؛ برخی از این موارد عبارتند از: درد بدنی، سائق‌های سادیسمی، آزارهای روحی و ذهنی، خیانت، فریب‌دادن افراد بی‌گناه و ...

۳. در گام سوم باید ببینیم چه گزینه‌های در پیش‌روی ما قرار دارند؛ مثلا وقتی ما ۱۰ هزار تومان داریم، گزینه‌هایی همچون خرید بستنی، رفتن به سینما، کمک کردن به یک شخص فقیر و ... در برابر ما قرار دارند.

پرسش: موارد مطرح شده در گام اول و دوم چگونه به دست می‌آیند؟

پاسخ: یافتن این موارد به مبنای فرااخلاقی شما بستگی دارد و نویسنده در این بخش صرفا به مباحث هنجاری می‌پردازد، نه فرااخلاقی. برای مثال شخصی مانند مور که در فرااخلاق مبنای شهودگرایی را در پیش گرفته است، معتقد است لذت شهودا خوب است. در مقابل میل که شهودگرا نیست، به استدلال متوسل می‌شود.

۴. در گام چهارم باید بررسی کنیم که هر کدام از گزینه‌های پیش‌رو چه قدر خیر و شر ذاتی ایجاد می‌کنند و سپس مجموع آن‌ها را محاسبه کنیم.^۶

پیامدگرایی یک نظریه‌ی واحد نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از نظریه‌ها است که نقطه‌ی اشتراک آن‌ها پرننگ کردن نقش نتیجه، در تعیین ارزش اخلاقی است.

۵. در گام پنجم باید عملی را پیدا کنیم که به لحاظ وزن شبکه‌ای، از وزن بالاتری برخوردار باشد. در این مرحله است که وظیفه‌ی اخلاقی ما روشن می‌شود.

بسته به این که چه تلقی‌ای از ارزش ذاتی داشته باشیم، انواع مختلفی از پیامدگرایی قابل تصویر است؛ به عنوان مثال پیامدگرایی کسی که لذت را ارزش ذاتی به حساب می‌آورد، با پیامدگرایی کسی که فضیلت را ارزش ذاتی برمی‌شمارد، متفاوت است. بنابراین پیامدگرایی یک نظریه‌ی واحد نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از نظریه‌ها است که نقطه‌ی اشتراک آن‌ها پرننگ کردن نقش نتیجه، در تعیین ارزش اخلاقی است.

ممکن است گفته شود که برای برخی از وظیفه‌گرایان نیز نتیجه مهم است^۷، خود ما هم وظیفه‌گرایی هستیم که نتیجه برایمان اهمیت دارد. ما نباید این دو را با هم خلط کنیم، چرا که صرف اهمیت‌دادن به نتیجه باعث نمی‌شود تا پیامدگرا باشیم؛ بلکه پیامدگرایی این است که بگوییم: تنها نتیجه است که اهمیت دارد و ارزش اخلاقی را مشخص می‌کند.

^۶. این همان کاری است که بننام با چرتکه‌ی معروفش انجام می‌داد.

^۷. دیوید راس از وظیفه‌گرایانی است که توجه زیادی به نتیجه دارد.

نویسنده در ادامه می‌گوید: من در این فصل صرفاً به مهم‌ترین تقریر از پیامدگرایی - یعنی ^۸act utilitarianism - می‌پردازم. به نظرم تشخیص نویسنده که act utilitarianism را مهم‌ترین تقریر از پیامدگرایی می‌داند، تشخیص درستی است، چرا که سایر تقریرهای پیامدگرایی مثل rule utilitarianism بر اثر فشارهای بیرونی پدید آمده‌اند.



خانۀ اخلاق پژوهان جوان

عکس: علی علیزاده

تمرکز act utilitarianism روی یک کار خاص است، نه یک قاعده. به عبارت دیگر act utilitarianism یعنی این که هر شخص باید به هنگام انجام هر کاری توجه کند که آن عمل ^۹optimific است یا خیر؟ در rule utilitarianism مثل rule utilitarianism به دنبال این نیستیم که ببینیم آیا قاعده‌ی راست گفتن ^{۱۰}optimific است یا خیر؛ بلکه به دنبال این هستیم که ببینیم آیا کار خاصی که انجام می‌دهیم، ^{۱۱}optimific است یا خیر؟ بسته به نوع ارزش ذاتی، act utilitarianism نیز می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد اما معروف‌ترین نوع آن act utilitarianism مبتنی بر «باید» شمردن ^۹well-being است ^{۱۰} که طرف دیگر آن «نباید» شمردن توسعه‌ی بدبختی‌ها

^۸. فایده‌گرایی عمل محور.

^۹. رفاه، به‌زیستی

^{۱۱}. این تقریر متعلق به جان استورات میل است. برخی دیگر از Act utilitarianist ها مثل بنتام لذت را محور قرار می‌دهند.

است. فیلسوفان این اصل را «اصل سود»^{۱۱} می‌نامند. «اصول سود» یعنی ارزشمندبودن کاری که در مقایسه با گزینه‌های دیگر در شرایط مشخصی، بیشترین سود و کمترین ضرر را داشته باشد.^{۱۲}

باید توجه داشت که مطابق این تقریر آنچه که اهمیت دارد، اضافه کردن رفاه در مجموع جهان است، نه صرفاً اضافه کردن آن برای خودمان. بنابراین این تقریر، یک تقریر غیرخودگرایانه است. نکته‌ی دیگر این است که حتی اگر ما نیت خوبی هم داشته باشیم، در صورتی که در بیشینه کردن رفاه در مجموع جهان ناموفق باشیم، مرتکب خطای اخلاقی شده‌ایم. به عبارت دیگر در این دیدگاه خطای اخلاقی، بر خلاف دیدگاه کانت و فضیلت‌گرایان با توجه به نیت تعریف نمی‌شود؛ بلکه مطابق این دیدگاه حتی اگر ما در کاری نیت بدی داشته باشیم اما در نهایت سبب افزایش رفاه شویم، عملمان به لحاظ اخلاقی ارزشمند است. شفرلاندو می‌گوید: ممکن است نیت خوب برای ما ستایش‌برانگیز باشد، اما به همراه داشته باشد، اما به اخلاق ربطی ندارد. در واقع نیت خوب، باعث می‌شود تا ما آدم خوبی باشیم و این الزاما به معنای خوب بودن کارمان نخواهد بود.

وجوه جذابیت act utilitarianism

سودگرایی علاوه بر فیلسوفان، در نزد اهالی سیاست، اقتصاد و حقوق^{۱۳} نیز طرفداران زیادی دارد. نویسنده در ادامه به بیان جذابیت‌های این دیدگاه می‌پردازد:

۱. act utilitarianism یک دیدگاه بی‌طرف^{۱۴} است. ما به هنگام ارزیابی فایده و زیان‌های یک عمل، هر فرد را یک نفر به حساب می‌آوریم^{۱۵}؛ با این توضیح که به طور مثال به هنگام محاسبه، نباید مادرمان را از آن‌جا که مادر ما است، دو نفر حساب کنیم^{۱۶}. بنابراین این دیدگاه بر اهمیت یکسان رفاه هر فرد به لحاظ ارزش اخلاقی تأکید دارد^{۱۷}.
۲. act utilitarianism با شهودات اخلاقی ما سازگار است. بسیاری از درست و نادرست‌های اخلاقی مبتنی بر آزرده و نیازرشد دیگران هستند؛ مثلاً دروغ نادرست است، چون دیگران را ناراحت می‌کند. این در حالی است که دیدگاهی همچون سودگرایی با ارتکازات ما تعارضات زیادی دارد. نظریه‌های اخلاقی مثل ریاضی نیستند تا قابل

11. the principle of utility.

12. اقتصاددانان از این تعبیر استفاده نمی‌کنند.

13. سیستم حقوقی بسیاری از کشورهای جهان مثل هلند و ... مبتنی بر act utilitarianism است.

14. impartial

15. شعار طرفداران این دیدگاه نیز همین است: «هر کس یک نفر است، نه بیشتر».

16. معادل عربی بی‌طرفی «عدم التحیث» است.

17. البته یکی از نقدهای واردشده به این دیدگاه نیز بی‌طرف بودن آن است. اخلاق اسلامی بی‌طرفی را نمی‌پذیرد. وظیفه‌گرایانی همچون راس نیز بر ضد بی‌طرفی هستند. راس می‌گوید: ما از آن‌جایی که نسبت به نزدیکانمان دینی بر گردن داریم، نمی‌توانیم آن‌ها را یک نفر به حساب بیاوریم.

اثبات باشند؛ بلکه بر اساس وجوه مختلفی با یکدیگر مقایسه می‌شوند. ممکن است یک نظریه‌ی اخلاقی دلایل محکم‌تری داشته باشد اما در مقایسه با نظریه‌ای که مقبولیت بیشتری دارد، کمتر پذیرفته شود. بحث شهودات اخلاقی از اهمیت زیادی برخوردار است. شهودات اخلاقی یکی از چیزهایی است که شفرلاندو نیز دائماً به آن استناد می‌کند. بسیاری همچون ارسطو معتقدند: اگر شهودات اخلاقی را کنار بگذاریم، دیگر چیزی برای ورود به اخلاق نخواهیم داشت. در بحث‌های نظری هم بدون در نظر گرفتن برخی از ارتکازات (مثل امتناع جمع نقیضین) نمی‌توان کاری از پیش برد. البته باید توجه داشت که استناد شفرلاندو به شهودات به معنای شهودگرا بودن او نیست.

۳. act utilitarianism برای رفع تعارضات اخلاقی راه‌حل‌های راحت‌تری را ارائه می‌دهد. یکی از چالش‌هایی که نظریه‌های وظیفه‌گرایانه همواره با آن مواجه هستند، تعارض^{۱۸} اخلاقی است. ما در بیشتر لحظات زندگی مان درگیر تراحم هستیم؛ به‌طور مثال وقتی باید از بین دو نفر، تنها به یک نفر کمک کنیم، دچار این تراحم شده و در انتخاب خود مردد می‌شویم. متأسفانه بحث تراحم خیلی کم مورد بررسی قرار گرفته است^{۱۹}. تعارض و تراحم برای طرفداران act utilitarianism معنایی ندارد، چرا که ایشان با محاسبه‌ی میزان خیر و شر هر

تعارض و تراحم برای طرفداران act utilitarianism معنایی ندارد، چرا که ایشان با محاسبه‌ی میزان خیر و شر هر یک از گزینه‌ها از تعارض‌های معنایی می‌یابند.

یک از گزینه‌ها از تعارض‌های معنایی می‌یابند. اگر این دو گزینه پیامدهای کاملاً یکسانی داشته باشند، شخص در انتخاب معیّر خواهد بود و گزینه‌ای که پیامدهای مثبت بیشتری داشته باشد، انتخاب می‌شود؛ مثلاً فرض کنید کسی به شما می‌گوید دوست شما دزد است. فرض هم کنید که این شخص خیرخواه بوده و قصد بدی از گفتن این حرف ندارد. حال فرض کنید دوستان از شما پرسد: آیا تو چیزی درباره‌ی شایعه‌ی دزدی من شنیده‌ای؟ ممکن است شما در این‌جا حساسیت روانی دوستان را محاسبه کرده و ترجیح بدهید راستش را به او نگوید. به عبارت دیگر مطابق این دیدگاه دروغ‌گویی و راست‌گویی حالتی وظیفه‌گرایانه ندارد، بلکه تابعی از شرایط است. شفرلاندو می‌گوید: ممکن است راست‌گویی و امانت‌داری سیاست‌های خوبی باشند، اما خوب بودن این سیاست‌ها به معنای مطلق بودن آن‌ها نیست.

^{۱۸}. برخی به جای واژه‌ی تعارض از واژه‌ی تراحم استفاده می‌کنند، چرا که اصطلاح انگلیسی این عبارت conflict است. به‌هر حال به نظر می‌رسد، تراحم ترجمه‌ی بهتری باشد.

^{۱۹}. استاد ما، آیت‌الله تبریزی زمانی می‌فرمودند: در فقه از تعارض ادله بسیار بحث کرده‌اند اما از تراحم بحثی نشده است. در تراحم در وضوح دلیل مشکلی وجود ندارد، بلکه ایراد در توان من است. آیت‌الله تبریزی چند روز بحث ملاکات تراحم را تدریس کردند اما بعدها به دلیل دشواری مطالب از ادامه‌ی آن صرف نظر کردند.

۴. act utilitarianism از انعطاف بیشتری برخوردار است. مطابق این دیدگاه هیچ اصل و قاعده‌ی مطلقی وجود ندارد مگر «اصل سود». البته باید توجه داشت که نظریه‌ی سودگرایی معادل نسبی‌گرایی فرهنگی و هنجاری نیست؛ بلکه معادل نسبی‌گرایی متافیزیکی است.^{۲۰} به عبارت دیگر سودگرایی ماهیتی نسبی‌گرایانه دارد. بسیاری از ما استثنائاتی را برای قواعد اخلاقی‌مان می‌شناسیم که خیلی با آن‌ها راحت نیستیم، اما سودگرایی به کلی این مشکل را حل کرده است؛ مثلاً ما به شکلی کلی می‌دانیم که دروغ بد است، اما وقتی برای نجات جان یک شخص استثنائاً دروغ می‌گوییم، به سختی می‌توانیم آن را توجیه کنیم، حال آن که در سودگرایی با چنین مشکلی مواجه نیستیم. البته این به این معنا نیست که act utilitarianism نوعی آنارشیسم بوده و هیچ مبنایی ندارد.



خانه اخلاق پژوهان جوان

عکس: علی‌علیزاده

۵. act utilitarianism هر شخص را عضوی از جامعه‌ی اخلاقی^{۲۱} دانسته و برای او حقوقی اخلاقی قائل است. رعایت حق اخلاقی^{۲۲} یک فرد به معنای جدی گرفتن رفاه او است. این همان نکته‌ای است که دولت‌های رفاه براساس آن شکل گرفته‌اند. مطابق این دیدگاه همان طور که ما نباید به رفاه دیگران لطمه وارد کنیم، دیگران نیز نباید به رفاه

^{۲۰} . شخصی به ارسطو گفت: این که به بیماران مختلف داروهای مختلف داده می‌شود، مبتنی بر نسبی‌گرایی است. ارسطو در پاسخ گفت: این نسبی‌گرایی نیست، بلکه رعایت اقتضائات است. نسبی‌گرایی جایی رخ می‌دهد که بدون وجود تفاوت در موضوع، بنابر ملاحظاتی قائل به تفاوت حکم شویم.

^{۲۱} . moral community

^{۲۲} . روشن کردن مفهوم و دامنه‌ی واژه‌ی «حق اخلاقی» (moral right) می‌تواند موضوع خوبی برای دانشجویان ارشد و دکترا باشد.

ما آسیبی بزنند. البته باید توجه داشت که ما نباید فراهم کردن رفاه دیگران را ابزار خود قرار بدهیم؛ مثلا اگر قرار است به فقیری کمک کنیم، نباید نگاهمان این باشد که با فراهم آمدن رفاه این فقیر، دیگر تهدیدی برای رفاه ما وجود نخواهد داشت. طرفداران act utilitarianism معتقدند حتی حیوانات نیز می‌توانند بخشی از این جامعه باشند. بنام می‌گوید: مساله این نیست که حیوانات عقل و زبان دارند یا خیر؛ بلکه مساله این است که حیوانات نیز درست مثل ما رنج می‌کشند.^{۲۳} در مورد حیوانات نیز نباید نگاهمان ابزاری باشد؛ یعنی ما نباید به یک حیوان صرفا برای بهبود محیط زیست خودمان کمک کنیم. ممکن است کسی بگوید: با این فرض باید گوشت‌خواری را کنار بگذاریم. در پاسخ باید گفت: سودگرایان معتقدند گاهی می‌توان برای به دست آوردن یک خیر، به دیگری آزار رساند.

اشکالات act utilitarianism

اشکالات این دیدگاه عبارتند از:

۱. اولین ایراد این دیدگاه این است که بسیار سخت گیرانه است. معمولا انتظار داریم نظریه‌های اخلاقی طوری باشند که بتوانیم با آن‌ها زندگی کنیم، اما این دیدگاه این طور نیست، چرا که در هر موضوعی باید گزینه‌های فراوانی را بررسی کنیم و این عملا ناممکن است. از طرفی این دیدگاه با چنین شرایطی فقط به درد قدیسان اخلاقی می‌خورد، چرا که مطابق این دیدگاه ما باید دائما خودمان را قربانی دیگران کنیم.^{۲۴} به هر حال باید به این توجه داشته باشیم که اخلاقی زیستن کار ساده‌ای نیست. مرحوم مطهری نیز در جایی می‌فرماید: ما به اندازه‌ای

سودگرایان اصل سود را به عنوان یک راهنمای تصمیم‌گیری مطرح نمی‌کنند، بلکه از دیدگاه ایشان اصل سود صرفا معیاری برای صواب و خطا است.

که از خودمان چشم‌پوشی می‌کنیم، اخلاقی هستیم. شفرلانندو در مواجهه با ایراد پیشین پاسخی فنی می‌دهد که من در جای دیگر مشابهش را ندیده‌ام. او می‌گوید: سودگرایان اصل سود را به عنوان یک راهنمای تصمیم‌گیری مطرح نمی‌کنند، بلکه از دیدگاه ایشان اصل سود صرفا معیاری برای صواب و خطا است. سودگرایان می‌گویند: کاری درست است که بیشترین سود را داشته باشد، اما دیگر کاری به این که شما چه طور به این نتیجه می‌رسید، ندارند. در نتیجه

^{۲۳} برخلاف دکارت که معتقد بود حیوانات رنج نمی‌کشند.

^{۲۴} پیتر سینگر، سردمدار جنبش نیوآلترئیسم (نودیکر گرای) که طرفدار دیدگاه سودگرایی است، می‌گوید: کمی کم کردن از هزینه‌های زندگی مان می‌تواند به ما کمک کند تا برای آفریقاییان واکسن تولید کنیم. اخیرا دیدگاه پیتر سینگر مورد نقدهای قابل توجهی قرار گرفته است؛ مثلا گفته می‌شود چنین کمک‌هایی باعث شده‌اند تا دولت‌های آفریقایی راحت‌طلب بار بیابند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: صدقه اگر از حد طبیعی‌اش خارج شود، چیزی جز ستایش زبانی برای صاحب صدقه نخواهد بود. حضرت در روایت دیگری در نهج البلاغه می‌فرماید: احضر صوله من احسنت الیه. از کسی که به او کمک می‌کنی، بترس. گویا منظور این روایت نیز همین است. به عبارت دیگر باید از کمک بی حساب و کتاب پرهیز کرد تا طرف مقابل مدعی و طلبکار نشود.

ممکن است شما با استفاده از تجربیات دیگران به این نتیجه برسید. به تعبیر دیگر طرفداران act utilitarianism به نوعی شکلی از قاعده را می‌پذیرند اما آن را اصطلاحاً ad hoc-rule یا قاعده‌های علی‌العجاله می‌نامند. از طرفی نظریه‌های اخلاقی دیگر نیز راهنمای تصمیم‌گیری به دست ما نمی‌دهند؛ به طور مثال مطابق نظریه‌ی امرالهی معیار درستی و نادرستی یک عمل، امر خدا است اما حتماً لازم نیست که این اوامر را از کتب استخراج کنیم؛ بلکه می‌توانیم به تجربیات دیگران نیز اعتماد کنیم. شفرلاندو در ادامه می‌گوید: اگر کسی بخواهد اصل سود را در همه‌ی تصمیماتش اجرا کند، عملاً بر ضد رفاه رفتار کرده است، چرا که دیگر نمی‌تواند به هیچ کار دیگری برسد. برخی آن‌قدر به این که چه کار کنند فکر می‌کنند که در نهایت از همه‌ی کارها باز می‌مانند. این همان رذیلتی است که ارسطو آن را «سفاقت» می‌نامد.^{۲۵}

نویسنده در ادامه می‌گوید: در سودگرایی، برخلاف وظیفه‌گرایی Supererogatory actions جایی ندارند، یعنی مطابق این دیدگاه مثلاً لازم نیست برای کمک کردن به دیگری خودمان را در آتش بیندازیم. حتی ممکن است کسی بگوید این کار اخلاقی نیست. در مقابل وظیفه‌گرایان معتقدند هر چند در این جا الزامی به لحاظ اخلاقی در کار نیست، اما این کار به لحاظ اخلاقی قابل ستایش است، چرا که این کار فراتر از وظیفه است. نکته‌ی دیگر این است که اصولاً مفهوم «فراتر از وظیفه» در سودگرایی معنایی ندارد، چرا که بالاخره یا کاری بیشترین سود را دارد یا ندارد و وقتی بیشترین سود را داشته باشد به وظیفه‌ی ما تبدیل می‌شود، حتی اگر آن کار رفتن به دل آتش باشد.

کلیدواژه‌ها: پیامدگرایی، سودگرایی، فایده‌گرایی عمل محور، رفاه.

^{۲۵}. یکی از اشکالات غزالی به ارسطو این است که نباید زیاد فکر کردن را یک رذیلت به حساب آورد. منتقدین غزالی معتقدند ارسطو تلقی درستی از سخن ارسطو نداشته است، چرا که منظور ارسطو فکر کردن مفید نیست؛ بلکه منظورش غرق شدن در فکر بدون عمل است.